

در میزگرد تخصصی بررسی شد:

برای تحقق رشد ۸ درصدی، چه میزان سرمایه نیاز است؟

جمعی از اقتصاددانان و کارشناسان برنامه‌ریزی کشور بعد از ظهر یک روز پاییزی در مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، گرد هم آمدند تا برای یک پرسش مهم، پاسخی بیابند. پرسش این بود: «برای تحقق رشد ۸ درصدی، چه میزان سرمایه نیاز است؟»

این نشست یکی از سلسله نشست‌های تخصصی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی با موضوعاتی نظیر رشد اقتصادی، تنگنای مالی، سرمایه‌گذاری، آینده بازار انرژی و برنامه ششم توسعه بود که این بار با هدف «برآورد سرمایه‌گذاری مورد نیاز به منظور دستیابی به اهداف رشد برنامه ششم توسعه» برگزار شد. در این نشست دکتر مسعود نیلی مشاور اقتصادی رئیس جمهور و رئیس مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی و نیز جمعی از مسئولان دستگاه‌های اجرایی و کارشناسان اقتصادی و برنامه‌ریزی حضور داشتند. دکتر علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دکتر محمد قاسمی معاون بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، نیز دو مهمان ویژه این نشست بودند.

این نشست با طرح مسأله از طرف دکتر مسعود نیلی آغاز شد که طی آن رئیس مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی با اشاره به اهمیت موضوع دستیابی به رشد ۸ درصدی در برنامه ششم توسعه، ابراز امیدواری کرد که با مباحثه سازنده و تبادل نظر در این باره، نتایج قابل استنادی برای تحقق این هدف حاصل شود.

برنامه جامع توسعه پیش نیاز رشد اقتصادی پایدار

دکتر علی آقامحمدی به عنوان نخستین سخنران این نشست، به بیان دو دیدگاه در باب تأمین مالی پرداخت و گفت: «در وهله نخست باید پذیرفت که رشد اقتصادی، امری ضروری و تحقق آن به طور حتم، نیازمند تأمین منابع مالی است. رویکرد دیگری که می‌توان مد نظر داشت، بررسی این موضوع است که با توجه

به شرایط حال حاضر کشور، امکان تأمین چه میزان منابع مالی وجود دارد که بر مبنای آن، نرخ رشد تعیین شود.»

او با اشاره به اهمیت و الزام احراز رتبه نخست اقتصادی ایران در منطقه و نیز حصول نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی در برنامه ششم توسعه، گفت: «پیش از آغاز تدوین سند چشم‌انداز به منظور بررسی امکان‌پذیری این هدف‌گذاری، و همچنین با توجه به اختلاف نظرهایی که در مورد آمایش و موضوعات دیگر وجود داشت، این تمرین برای چشم‌انداز ۱۴۰۰ استان همدان - با این فرض که این استان همانند یک کشور تمامی امکانات را داراست - صورت گرفت. در این رابطه با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، استانداری و شماری از محققان این حوزه، گام‌های اولیه به منظور اجرای این طرح آزمایشی و همچنین برآورد ارکان و الزامات مورد نیاز برای تحقق اهداف مورد نظر در این استان، برداشته شد.» این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: «پس از آن با حضور گروه‌ها و شخصیت‌های صاحب نظر، نظیر دکتر فرهاد نیلی و تنی چند از کارشناسان برجسته، برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۰ استان تدوین و با به کار بستن رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری و نیز با توجه به این که حداقل امکانات در اختیار بود، نرخ رشد ۷ درصدی حاصل شد.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه گفت: «باید توجه داشته باشیم که ایران در منطقه ای بی ثبات و نا امن قرار دارد بنابراین توفیق در برنامه‌ریزی، با رویکردی سطحی امکان‌پذیر نیست و عدم توجه به این موضوعات و نیز پیش‌بینی نادرست از مشکلات بالقوه، کشور را با آشفتگی و لطمات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد کرد.» او افزود: «تحقق نرخ رشد هشت درصدی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و این استراتژی‌ها هستند که باید مشخص کنند که منابع و اعتبارات در راستای تحقق آن چگونه تأمین خواهند شد.»

تأمین منابع جزء اجتناب‌ناپذیر رشد اقتصادی

آقامحمدی با یادآوری تجربه تدوین نخستین برنامه توسعه پس از انقلاب گفت: «در تدوین برنامه اول که بر اساس نرخ رشد هدف‌گذاری شده بود، چگونگی تأمین مالی خارجی بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار، چالش اصلی قلمداد می‌شد.» او ادامه داد: «دولت مهندس موسوی با استقراض موافق نبود بنابراین موضوع به مجلس

ارجاع داده شد و ضرورت تأمین منابع مالی مورد نیاز در جلسه‌ای غیرعلنی مورد بررسی قرار گرفت. موافقان و مخالفان بسیاری در این باره سخن گفتند و در خاتمه، با استقراض و تأمین مالی از خارج کشور موافقت شد.» آقا محمدی افزود: «مقصود از یادآوری این موضوع، آن بود که صرف پرداختن به این که آیا اعتبارات در دسترس است یا خیر، کفایت نمی‌کند، بلکه بررسی موضوعاتی نظیر این که چه میزان منابع لازم است؟ و این که آیا باید بر مبنای گذشته عمل شود یا می‌توان آینده‌نگری را هم به این مقوله وارد کرد؟ می‌تواند در این نشست مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.»

### الزامات کمی برآورد سرمایه گذاری

در ادامه این نشست، دکتر مهدی برکچیان معاون پژوهشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، با اشاره به تهیه گزارشی با طرح این پرسش که «برای تحقق رشد ۸ درصدی، چه میزان سرمایه نیاز است؟» گفت: «هدف این است که با مفروض قراردادن نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی در برنامه ششم توسعه، برآورد کنیم که چه میزان سرمایه به منظور تحقق این نرخ لازم است.»

وی افزود: «این موضوع نیز اهمیت دارد که با توجه به شرایط اقتصادی گذشته و حال، مشخص شود که چه مقدار از این منابع از محل منابع داخلی قابل تأمین خواهد بود و به چه میزان منابع خارجی نیاز داریم.» او با اشاره به اظهارات دکتر آقامحمدی ادامه داد: «تخمین‌هایی که در این زمینه ارائه می‌شود مبتنی بر چند فرض بوده که در قالب عملکرد پیشین اقتصاد و نیز سناریوهای خوشبینانه یا واقع بینانه تنظیم شده است و طبیعتاً با تغییر پارامترها در عالم واقع می‌توان نتایج متفاوتی را شاهد بود.»

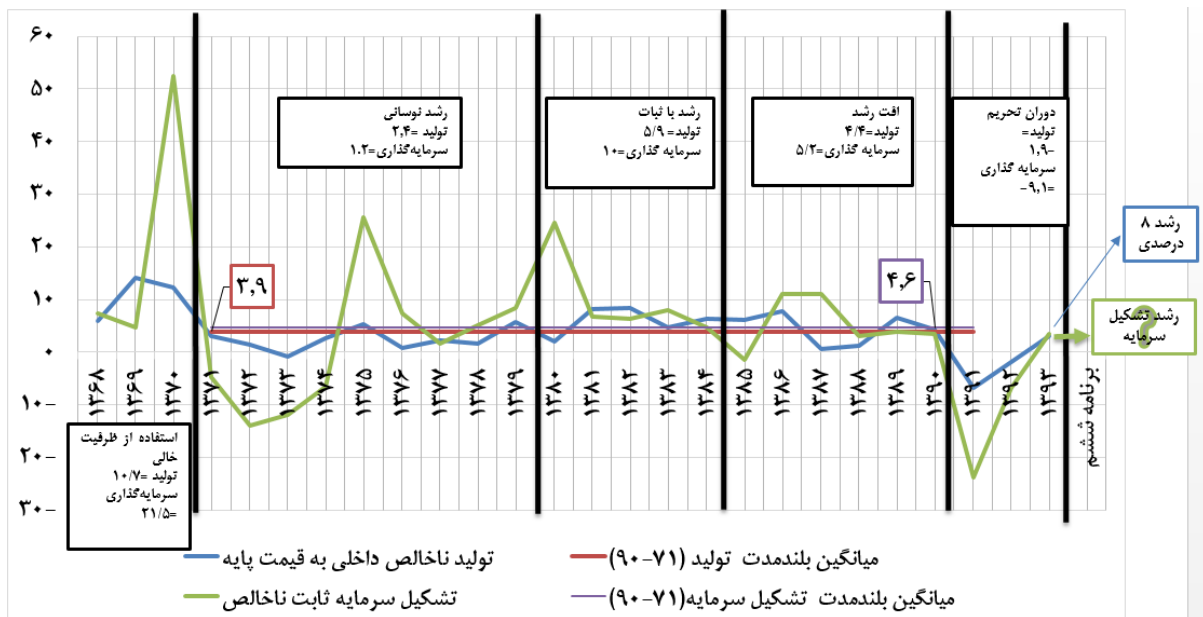
برکچیان گفت: «در سیاست‌های کلی برنامه ششم این گونه تبیین شده که متوسط رشد اقتصادی کشور برای برنامه ششم باید ۸ درصد باشد. به این معنا که اقتصاد باید به هر شکل ممکن تلاش کند تا به این سطح از رشد برسد تا در نهایت، مسائلی نظیر بحران بیکاری برطرف شود.»

به گفته وی «حجم عظیم نیروی کاری که انتظار می‌رود در سال‌های آینده وارد بازار کار شوند، ضرورت توجه بیش از پیش به نرخ بیکاری را گوشزد می‌کند به گونه‌ای که این نرخ، از سطوح فعلی بالاتر نرفته و حتی الامکان در سطح نرخ فعلی یعنی ۱۰ درصد باقی بماند.»

برکچیان در ادامه افزود: «تصویر کلی از وضعیت اقتصاد ایران در سال‌های گذشته با استفاده از آمارهای مربوط به آن سال‌ها ارائه می‌شود، سپس برآوردی از سرمایه‌گذاری مورد نیاز با استفاده از روش نسبت تولید به موجودی سرمایه صورت می‌گیرد و در نهایت منابع مورد نیاز، به تفکیک داخلی و خارجی برآورد می‌شود.»

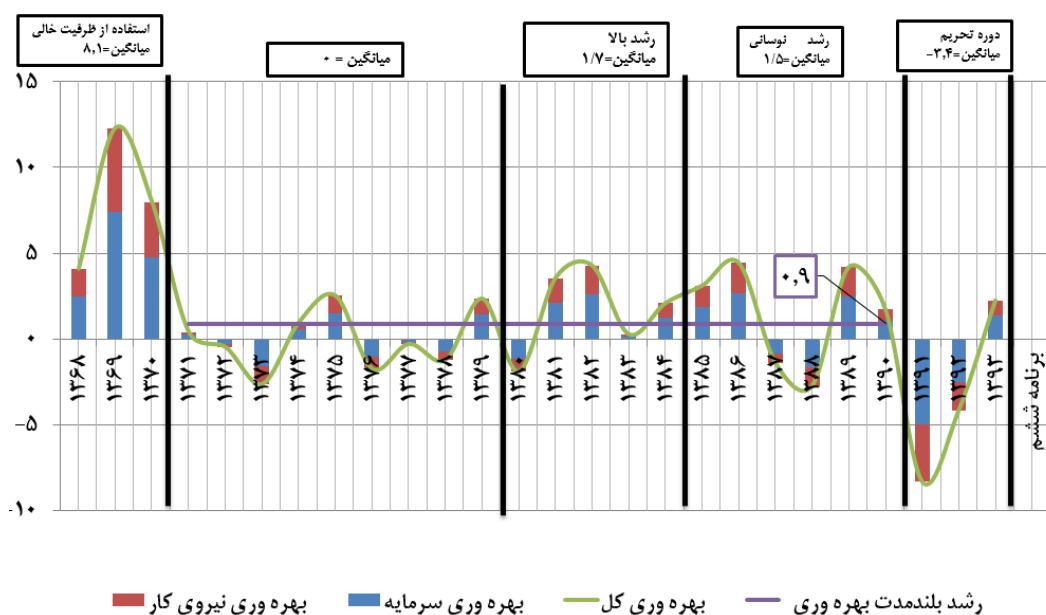
#### تصویر کلی از اقتصاد کشور

معاون پژوهشی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی با اشاره به نمودار رشد اقتصادی ایران در یک دوره ۲۵ ساله (نمودار ۱)، گفت: «عملکرد اقتصاد ایران در حد فاصل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ به چند دوره همگن تقسیم شده و به هر یک از این دوره‌ها از منظر نرخ رشد و سرمایه‌گذاری پرداخته می‌شود؛ با کنار گذاشتن سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ که دوره بعد از جنگ بوده و رشد اقتصادی بالا از طریق استفاده از ظرفیت‌های خالی جنگ ممکن شد، بهترین دوره به لحاظ رشد اقتصادی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ بوده که حائز میانگین رشد ۶ درصد و نرخ رشد سرمایه‌گذاری ۱۰ درصدی است که در هیچ دوره دیگری تجربه این رشد وجود ندارد.»



نمودار (۱) - رشد تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه در دوره های مختلف

او همچنین با نمایش دادن نموداری دیگر (۲)، ادامه داد: «متوسط بالاترین میزان بهره‌وری نیز، به سال-های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ باز می‌گردد که نرخ آن ۱/۷ درصد برآورد شده که چندان رقم قابل توجهی به نظر نمی‌رسد و اگر همین روال بر اقتصاد کشور حاکم باشد، می‌تواند مشکلات و محدودیت‌هایی را ایجاد کند.»



نمودار (۲) - رشد بهره‌وری در دوره‌های مختلف

مراحل برآورد سرمایه‌گذاری مورد نیاز (بر اساس نسبت تولید به سرمایه)

برکچیان درباره محاسبه میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز، گفت: «در گام نخست، موجودی سرمایه با استفاده از روش نسبت تولید به موجودی سرمایه طی سال‌های برنامه ششم برآورد شده است، در گام بعدی میزان استهلاک با توجه به نرخ بلند مدت آن تخمین زده شده و در نهایت از رابطه تعدیل موجودی سرمایه، مقدار سرمایه‌گذاری مورد نیاز به دست آمده است.» او سپس به برخی مفروضات مورد توجه در این محاسبه اشاره کرد و گفت: «یکی از این مفروضات، رشد اقتصادی سال ۱۳۹۴ است که با فرض خوش بینانه، برابر با ۲ درصد تعیین شده، همچنین نرخ رشد تشکیل سرمایه در سال ۱۳۹۴ نیز به میزان ۲ درصد در نظر گرفته شده است. در عین حال با توجه به میانگین دوره سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰، نرخ استهلاک نیز حدود ۴/۲ درصد، فرض شده است. ضمن اینکه، نسبت تولید به موجودی سرمایه نیز در دو سناریو معادل ۲۷ درصد و ۲۹ درصد در نظر گرفته شده است.»

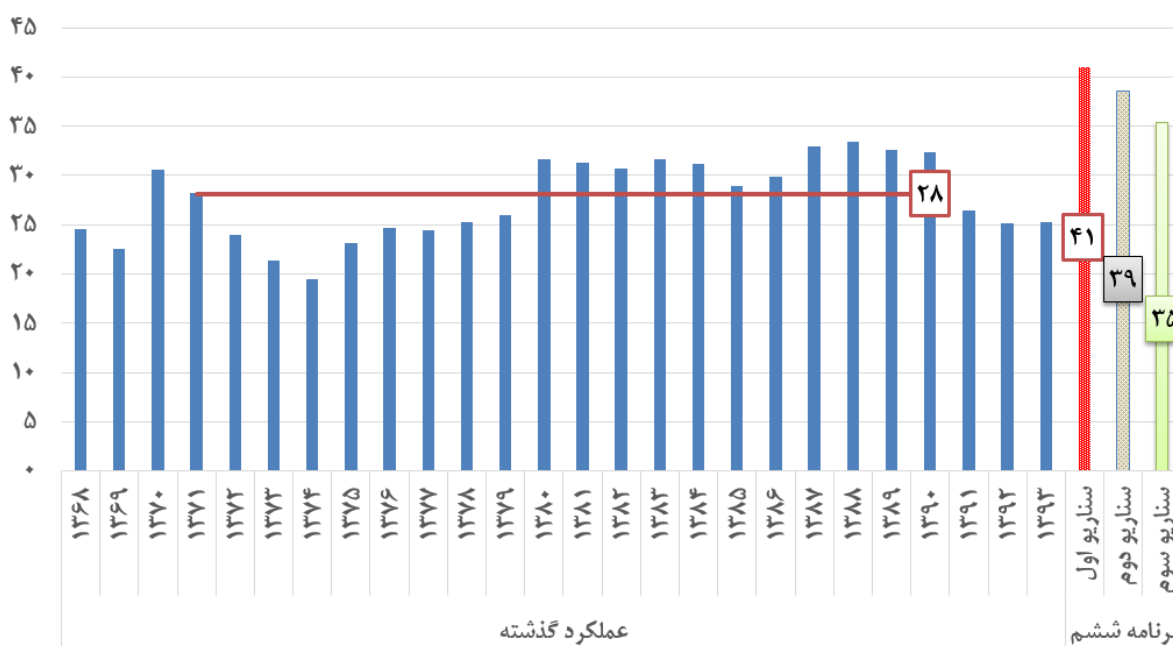
سناریوهای قابل تصور

عضو کارگروه تخصصی ستاد هماهنگی اقتصادی دولت ادامه داد: «بر این اساس سه سناریو منظور شده است. در سناریوی نخست فرض شده که نسبت تولید به موجودی سرمایه متناسب با متوسط آن طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ باشد (۲۷ درصد). در سناریوی دوم نیز این موضوع در نظر گرفته شده که تولید به موجودی سرمایه متناسب با متوسط آن طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ باشد و همچنین سالانه حدود ۰/۸ واحد درصد از رشد ۸ درصدی فرض شده از طریق استفاده از ظرفیت خالی موجود تأمین شود.»

به گفته او، در سناریوی سوم نیز فرض بر این است که نسبت تولید به موجودی سرمایه متناسب با متوسط آن در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ باشد. ضمن اینکه به مانند سناریوی دوم، فرض شده است که سالانه حدود ۰/۸ واحد درصد از رشد ۸ درصدی در نظر گرفته شده از طریق استفاده از ظرفیت خالی موجود تأمین شود.»

برکچیان با اشاره به نمودار دیگری (نمودار شماره ۳) افزود: «اگر نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی مورد سنجش واقع شود، مشاهده می شود که در دوره بلند مدت بین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰، سرمایه گذاری ۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داده و بعد از آن در بهترین سالها که مربوط به دهه ۱۳۸۰ و درآمدهای نفتی بوده، این میزان ۳۲/۳۳ درصد بوده است، همچنین بهترین عملکرد رشد تشکیل سرمایه مربوط به دوره سالهای ۸۰ تا ۸۴ با متوسط رشد ۱۰ درصدی است.» او ادامه داد: «به منظور تحقق رشد ۸ درصدی بر حسب ۳ سناریوی مذکور، لازم است به ترتیب ۳۵، ۳۹ و ۴۱ درصد از تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری شود، که منابع مورد نیاز آن بین ۱۵۵ تا ۱۸۴ میلیارد دلار برآورد می شود.

قیاس این ارقام با کشورهای دیگر، نشان می دهد، تنها در کشور چین، نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی به ۳۹ درصد می رسد. بنابراین تحقق هدف یاد شده، مستلزم وقوع تحولی بزرگ در سرمایه گذاری بوده و اقتصاد کشور باید در مسیری که برای سرمایه گذاری در کشور چین رخ داده، قرار گیرد تا بتوان منابع لازم را برای تولید فراهم کرد.»



نمودار (۳) - نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی

اهمیت خصوصی سازی

آقامحمدی در ارتباط با مطالب ارائه شده گفت: «در حال حاضر که سرمایه‌گذاری توسط بخش دولتی انجام می‌شود، اسمی بوده و در عمل بخشی از آن با توجه به ملاحظات چون نحوه ثبت، هزینه جاری و دیگر ملاحظات، به عنوان سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شود. در این میان، آمار سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی نیز به دلایلی همچون فرار مالیاتی و عدم شفافیت، عاری از اشتباه نیست. بر این اساس باید توجه داشت که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌تواند در این زمینه به مدد سرمایه‌گذاری آمده و در این خصوص شفافیت بیشتری ایجاد کند.»

تأمین داخلی منابع مورد نیاز به منظور تحقق رشد

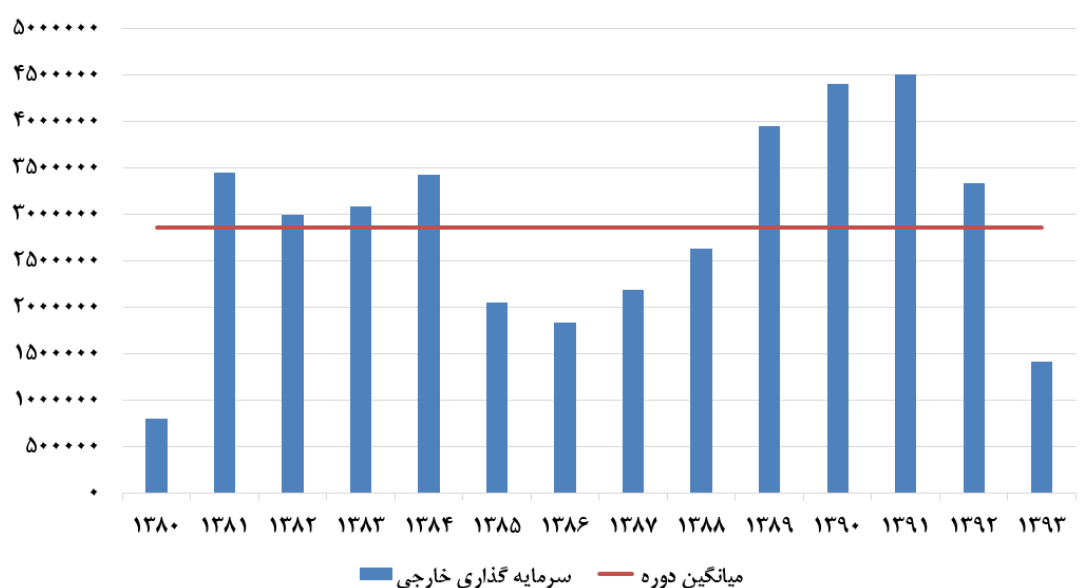
دکتر برکچیان سپس به ادامه گزارش خود پرداخت و عنوان کرد: «نکته بعدی که حائز اهمیت است این است که چه میزان از منابع مورد نیاز می‌تواند از داخل فراهم آید و چه میزان باید از خارج تأمین شود؟» وی با تشریح چگونگی برآورد ارقام مورد نظر ادامه داد: «در گام نخست باید میزان پس انداز طی سال‌های برنامه برآورد شود. در همین راستا با استفاده از روابط حسابداری ملی و اعمال مفروضاتی روی برخی متغیرها، میزان پس انداز برآورد شده است. اگر از رابطه حساب‌های ملی، سقف پس انداز کشور را، از کسر مصرف از تولید به دست آوریم، در گام بعد مشخص می‌شود که از این میزان پس انداز، چه مقدار را می‌توان به سرمایه‌گذاری اختصاص داد.» وی ادامه داد: «با استفاده از این روابط و محاسبه شکاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری، میزان سرمایه‌گذاری خارجی مورد نیاز به دست می‌آید.»

برکچیان افزود: «بر این اساس و با نگاه به گذشته ملاحظه می‌شود که حدود ۶۴ درصد از پس انداز کشور صرف سرمایه‌گذاری شده، که فرض شده که معادل همین نسبت بلند مدت نیز در سال‌های آینده، برقرار باشد. همچنین فرض شده که سهم مصرف خصوصی از تولید ناخالص داخلی متناسب با روند بلندمدت آن باشد، و نیز مصرف دولتی متناسب با رشد بلندمدت آن طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ رشد کند.»

این پژوهشگر اقتصادی افزود: «جمع‌بندی این سناریوها گویای این است که در سناریوی اول از مجموع ۱۸۴ میلیارد دلار، ۱۳۰ میلیارد دلار را می‌توان از داخل تأمین کرد و بر این اساس، ۵۴ میلیارد دلار از محل سرمایه‌گذاری خارجی باید تأمین شود. در سناریوی دوم این رقم ۴۲ میلیارد دلار و در سناریوی سوم ۲۸



میلیارد دلار برآورد شده است. در حالی که عملکرد گذشته اقتصاد کشور نشان می‌دهد اقتصاد ایران سالانه حداکثر ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی داشته است.» به گفته او، مطابق با سناریوهای یاد شده این ارقام باید به حدود ۲۸ تا ۵۰ میلیارد دلار در هر سال برسد تا کسری منابع لازم برای سرمایه‌گذاری جبران شود.



نمودار (۴) - روند سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های گذشته (هزار دلار)

معاون پژوهشی موسسه ادامه داد: «در نهایت از آنچه در این ۲۰ سال در حوزه سرمایه‌گذاری داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی سپری شده، استنباط می‌شود که رشد ۸ درصد در چارچوب روندهای پیشین، عملی نبوده و لازم است ساختار اقتصاد کشور به گونه‌ای تغییر کند که این رشد در اقتصاد کشور رخ دهد. چنانچه رسیدن به رشد ۸ درصدی در برنامه ششم ضرورت باشد، باید الزاماتی مدون شده و در اسرع وقت نیز عملی شود. در غیر این صورت، سال‌های پیش رو نیز سپری می‌شود و زمانی که سال پایانی برنامه ششم فرا برسد، اهداف مندرج در آن تحقق نیافته خواهد بود.»

رشد اقتصادی و الزامات تحقق آن مورد وفاق باشد

در ادامه دکتر مسعود نیلی در جمع‌بندی گزارش ارائه شده، سه موضوع قابل تأمل را به عنوان خروجی این گزارش مورد اشاره قرار داد و گفت: «موضوع نخست ضرورت رشد اقتصادی طی سال‌های آتی است که

برای اقتصاد کشور یک الزام بوده و با وجود تمامی مسائل و معضلات در حیطه اشتغال و سایر متغیرها و فارغ از اختلاف نظرها، برای تحقق آن به یک وفاق عمومی نیاز داریم.» مشاور اقتصادی رئیس جمهوری ادامه داد: «در شرایط کنونی، ضرورت دارد، رشد اقتصادی را به عنوان محور اصلی برنامه ریزی اقتصادی در نظر گرفت و به نظر می‌رسد معنا و مفاهیم بسیاری در این موضوع نهفته است. به همین سبب پرداختن به این مقوله، حائز اهمیت بسیار است و سایر موضوعات در فرع این محور اصلی قرار می‌گیرند.»

رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی در باب دومین خروجی گزارش ارائه شده از سوی دکتر برکچیان گفت: «در ساختار فعلی اقتصاد، حجم سرمایه گذاری مورد نیاز، بسیار فراتر از ارقامی است که اقتصاد کشور تا کنون جذب کرده است. چنانچه بند یک، به عنوان یک ضرورت در نظر گرفته شود، باید درباره الزامات دستیابی به میزان سرمایه گذاری مورد نظر در کشور اندیشید.» وی افزود: «علاوه بر این، با در نظر گرفتن این واقعیت که نسبت سرمایه به تولید در کشور بسیار بالاست، نمی‌توان انتظار داشت طی مدت پنج سال تحول بزرگی در نسبت‌هایی که رفتار بلند مدت دارند، ایجاد شود.»

دکتر نیلی ادامه داد: «اما باید پایین بودن کارآیی موجودی سرمایه را به عنوان نقیصه‌ای در اقتصاد کشور مورد توجه قرار داد؛ چرا که وضعیت این شاخص در اقتصاد ایران به معنای نرخ پایین بهره‌وری است و این یک ضرورت است که با اصلاحات ساختاری، بهره‌وری ارتقا یابد. پایین بودن بهره‌وری در مواردی مانند اتلاف انرژی بدون تناسب با افزایش تولید یا استفاده از تسهیلات بانکی بدون افزایش سرمایه گذاری موضوعیت می‌یابد.»

رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی خاطر نشان کرد: «با توجه به یافته‌های مطالعات صورت گرفته که نشان می‌دهد، بهره‌وری سرمایه گذاری در بخش دولتی در مقایسه با سرمایه گذاری در بخش خصوصی نرخ پایین تری را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان برای تقویت بخش خصوصی، طرح‌هایی را که در اختیار دولت بوده به بخش خصوصی واگذار کرد که البته دستیابی به موفقیت در این حوزه، نیازمند اصلاحات ساختاری در اقتصاد است.»

سومین نتیجه‌گیری دکتر نیلی از گزارش ارائه شده، لزوم بهره‌گیری از منابع خارجی برای تحقق رشد اقتصادی تعیین شده برای برنامه ششم توسعه بود: «باید توجه داشت، ارقامی که در گزارش یاد شده به عنوان سرمایه مورد نیاز خارجی عنوان شد، به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دلالت داشته و شامل سرمایه‌گذاری مالی یا فاینانس نمی‌شود.»

او افزود: «این ارقام در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌هایی که در سطح جهان صورت می‌گیرد، رقم قابل توجهی نیست؛ اما به نسبت سرمایه‌ای که در گذشته و در زمان حاضر جذب اقتصاد ایران شده، حجم سرمایه مورد نیاز دست نیافتنی به نظر می‌رسد و بیشتر از آنکه تحقق این ارقام حائز اهمیت باشد، نحوه سیاست‌گذاری در مورد آن با اهمیت به نظر می‌رسد. او افزود: «در واقع سرمایه مورد نیاز به دو شرط در اقتصاد ایران قابل جذب خواهد بود؛ شرط نخست این است که اقتصاد، گیرایی لازم برای جذب منابع خارجی را داشته باشد و شرط دوم این است که بخش خصوصی در آن بسیار فعال باشد.»

دکتر نیلی با اشاره به قیمت پایین نفت در بازار جهانی، اضافه کرد: «این مفروضات در شرایطی مطرح می‌شود که قیمت نفت در دامنه بشکه ای ۴۰ تا ۵۰ دلار و حتی شاید کمتر قرار دارد و مقدار تولید نفت در سال‌های برنامه در سناریوی خوش بینانه به ۴ میلیون بشکه در روز یا کمی بیشتر خواهد رسید که درآمدی در سطح ۴۰ میلیارد دلار برای اقتصاد حاصل می‌کند که البته رقم قابل توجهی نسبت به درآمدهای چشمگیر ۱۰ سال گذشته به شمار نمی‌آید. با توجه به این محدودیت در درآمدهای نفتی، لزوم توسعه صادرات غیر نفتی بیش از پیش احساس می‌شود.» او همچنین تصریح کرد: «لازمه دستیابی به این تحولات بزرگ در اقتصاد کشور آن است که در شرایط فعلی، اجماع نظر بر ضرورت تحقق رشد ۸ درصد حاصل شده و به الزامات تحقق این هدف پرداخته شود. به عبارتی دیگر این الزامات مانند سیاست‌های کلی برنامه ششم باید در فضای سیاست‌گذاری و محافل عمومی و رسانه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرد.»

معضل نرخ فزاینده بیکاری در برنامه ششم توسعه

گزارش بعدی در این میزگرد، در خصوص منابع مورد نیاز به منظور حصول رشد اقتصادی ۸ درصدی بود که توسط دکتر علیرضا امینی مشاور امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه شد.

او در آغاز سخنانش به این نکته اشاره کرد که گزارش وی، حاصل پژوهش و بررسی تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشد و لزوماً به معنای موضع رسمی این سازمان نیست. وی سپس عنوان کرد: «یکی از دغدغه‌های اصلی در برنامه ششم توسعه بالا بودن نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و پیش‌بینی روند سریع افزایشی آن است؛ چنانکه در شرایط فعلی نرخ بیکاری در کشور دو رقمی بوده و معضل بیکاری جوانان نیز اهمیت آن را دو چندان کرده است.» وی ادامه داد: «نکته دیگری که حائز اهمیت بوده، هزینه بالای ایجاد فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی در مقایسه با نیروی کار ساده است، چرا که این گروه بصورت عمده در مشاغل سرمایه بر جذب می‌شوند.»

امینی تصریح کرد: «اگر طی سال‌های اخیر به رغم ایجاد اشتغال ناچیز در اقتصاد، نرخ بیکاری افزایش نیافته است به دلیل کاهش فشار عرضه نیروی کار در نتیجه گسترش سریع دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، ناامیدی جوانان از پیدا کردن شغل (Discourage Effect) و خروج موقتی از بازار کار و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها به امید پیدا کردن شغل در آینده است. نکته مهمی که در این میان مطرح است میزان بازگشت این گروه به بازار کار است که اطلاع دقیقی از این میزان در دست نیست.»

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: «برآوردی که روی عرضه نیروی کار بر اساس میزان ثبت نام شدگان دانشگاه‌ها و فارغ‌التحصیلان، جمعیت در حال تحصیل و جمعیت دارای تحصیلات عالی صورت گرفته، نشان می‌دهد که در طول برنامه ششم توسعه، تعداد ثبت نام شدگان در دانشگاه‌ها، سالانه یک میلیون و ۲۶۶ هزار نفر بوده و بیش از ۷۰ درصد از سهم ثبت نام شدگان در دانشگاه‌های کشور در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد هستند و همچنین سالانه ۹۹۶ هزار نفر از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود، نرخ مشارکت در حدود ۴۰/۵ درصد افزایش یافته و متوسط سالانه عرضه نیروی کار حدود ۶۸۰ هزار نفر خواهد بود.»

مشاور امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور خاطر نشان کرد: «بر اساس سناریوی واقع بینانه‌تر در میان سه سناریو محتمل، چنانچه حصول نرخ بیکاری ۹ درصد با نرخ مشارکت احتمالی ۴۰/۵ درصد، مورد نظر باشد، لازم است سالانه در حدود ۸۵۸ هزار فرصت شغلی ایجاد شود. وی ادامه داد: «هدف-گذاری یاد شده با توجه به تغییر ماهیت نیروی آماده به کار و سهم قابل توجه فارغ التحصیلان دانشگاهی که نوع خاصی از منابع و اشتغال تخصصی را طلب می‌کند، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.»

امینی همچنین یادآور شد: «بالاترین رکورد ثبت فرصت‌های خالص ایجاد اشتغال خالص مربوط به برنامه سوم و به میزان ۶۲۳ هزار نفر است و طبعاً تأکید بر ایجاد اشتغال بالاتر از این میزان با هدف کاهش سهم بهره‌وری کل، خارج از توان اقتصاد و مستلزم تأمین منابع سرمایه بالا است که به نظر می‌رسد، در شرایط کنونی، غیر قابل دستیابی است؛ لذا سیاستگذاری و تعیین الزامات برای افزایش سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در تأمین رشد در برنامه ششم یک ضرورت است.»

#### سوابق شاخص بهره‌وری کل در اقتصاد کشور

امینی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: «بر اساس نتایج مطالعات آسیب شناسانه و شرایط فعلی اقتصاد کشور می‌توان بیان داشت، شروع تدوین برنامه ششم به لحاظ زمانی، منطبق بر وضعیت رکودی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی شده که تا حدودی تداعی کننده وضعیت اقتصاد در سال‌های قبل از برنامه اول توسعه و وجود ظرفیت‌های بیکار در اقتصاد بوده که طی آن از منابع خارجی برای تأمین منابع این برنامه استفاده شد.» به گفته او، مطابق با برنامه اول توسعه، متوسط رشد سالانه در شاخص کل بهره‌وری ۴/۶، متوسط رشد سالانه اقتصاد ۲/۷، و سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی حدوداً ۶۴ درصد بوده است.

امینی اضافه کرد: «با توجه به ویژگی رشد اقتصادی مورد نظر سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر رشد شتابان، پایدار و اشتغال‌زا و همچنین تأکید بر تعامل فعال با اقتصاد جهان، لزوم ایجاد تغییر ساختار در اقتصاد، می‌توان از تجربه برنامه سوم استفاده کرد، چنانکه در این برنامه سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد

اقتصادی، میزانی در حدود ۲۸ درصد را تجربه کرده و این در حالی اتفاق افتاده که متوسط رشد سالانه در شاخص کل بهره‌وری ۱/۶ و متوسط رشد سالانه اقتصاد ۵/۸ درصد بوده است.»

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: «سهم شاخص بهره‌وری کل در تأمین رشد اقتصادی در شرایط کنونی، ۴۴ درصد است و باید سالانه رشد ۳/۵ درصدی داشته باشد، که با توجه سوابق اقتصاد کشور امری دشوار به نظر می‌رسد، لذا طی برنامه ششم، با توجه وجود توسعه ظرفیت‌های خالی مانند دوره برنامه اول و همچنین اعمال اصلاحات ساختاری نظیر برنامه سوم، شاید بتوان کمی به تحقق هدف مورد نظر امیدوار بود، زیرا رشد در شاخص بهره‌وری کل همچون حصول رشد ۸ درصدی یک الزام است.»

پیش‌بینی متغیرهای بخش واقعی در برنامه ششم توسعه

امینی با اشاره به محاسبات صورت گرفته در پیش‌بینی متغیرهای بخش واقعی برنامه ششم، طی دو الگو اظهار داشت: «در الگوی اول باید متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت ۱۳۸۳، ۱۶/۵ درصد باشد که با فرض متوسط تورم ۱۱/۲ درصدی در این برنامه به گونه‌ای که در سال انتهایی برنامه تک رقمی شود، میزان سرمایه‌گذاری سالانه به قیمت جاری، حدود ۸۰۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود.» وی افزود: «بر اساس برآوردها در دفتر امور اقتصاد کلان، اقتصاد ایران بر اساس منابع موجود می‌تواند ۵۸۰ تا حداکثر ۶۳۰ هزار میلیارد تومان منابع تجهیز کند، در نتیجه فاصله قابل ملاحظه‌ای بین منابع مورد نیاز و منابعی که کشور در حال حاضر می‌تواند تجهیز کند وجود دارد که کاهش این فاصله مستلزم سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین منابع از خارج است.»

وی با تشریح الگوی دوم گفت: «در این الگو که با فرض سهم ۳۵ درصدی ارتقای بهره‌وری در برنامه ششم و اشتغال ۹۶۸ هزار نفر تدوین شده، لازم است متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت ۱۳۸۳، حدود ۲۰ درصد باشد که به نظر قابل تحقق نیست، در نتیجه با توجه به ضرورت ارتقای بهره‌وری و عدم اتلاف منابع به شیوه پیشین الگوی مردودی است.»

بیان راهکارهای موجود

دکتر امینی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: «به نظر می‌رسد الگوی اول با وجود دشواری، مناسب و ملموس‌تر است و مطابق محاسبات انجام شده در حال حاضر می‌توان ۶/۲ درصد رشد اقتصادی برای طول دوره برنامه یا ۱/۲ درصد از رشد سالانه را از مسیر استفاده از ظرفیت‌های خالی تأمین کرد. از این رو در وهله نخست با جذب سرمایه‌های خارجی در نتیجه رفع تحریم‌ها و اتخاذ اقدامات لازم نظیر تخصیص سرمایه در گردش به طرح‌های در حال بهره‌برداری که زیر ظرفیت کار می‌کنند و همچنین با تخصیص مابقی اعتبارات لازم به طرح‌های در شرف تکمیل، سعی شود ظرفیت بلااستفاده به کار گرفته شود.» وی افزود: «ضمن اینکه در کنار این امور مهم لازم است با بازبینی و اصلاح ساختارها و همچنین توسعه اشتغال و اهتمام مضاعف در حصول رشد بهره‌وری عوامل تولید، رشد متوسط سالانه ۶٫۸ درصدی نیز تأمین شود تا مجموعاً نرخ رشد متوسط ۸ درصدی در طول برنامه محقق شود.»

#### تاکید بر ارتقاء بهره‌وری و اصلاح ساختارها

علاء الدین ازوجی یکی از کارشناسان همکار دکتر امینی در تکمیل سخنان ایشان اظهار داشت: «در این میان، چگونگی تحقق رشد اقتصادی در طول برنامه ششم بسیار حائز اهمیت است. با توجه به کارکردی که برنامه‌های اول و سوم توسعه اقتصادی در اقتصاد ایران ایفا کردند، پیش‌بینی می‌شود، روند رشد طی برنامه ششم به شکل U وارونه خواهد بود. به طوری که در سال ابتدایی برنامه، رشدی در حدود ۵ درصد متصور است، سپس از سال دوم تا سال چهارم روند رشد افزایشی بوده و به بیش از ۸ درصد خواهد رسید و پس از آن، نرخ رشد کاهش خواهد یافت.» وی ادامه داد: «در دفتر اقتصاد کلان، الزاماتی برای دستیابی به رشد بلندمدت در برنامه ششم پیش‌بینی شده که هم مسایل بنیادین رشد در آن مورد اشاره قرار گرفته و هم به مسائل بلافصل نظیر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی پرداخته شده است. در این میان بهره‌وری به عنوان یکی از الزامات دستیابی به این رشد، معرفی شده است.»

این کارشناس افزود: «چنانچه مقرر است در اقتصاد ایران رشد اقتصادی حاصل شود، به طور حتم این رشد باید درون‌زا باشد و درچنین شرایطی اصلاحات ساختاری نیز باید به منصفه ظهور برسد.»

او با اشاره به مثالی ادامه داد: «به عنوان نمونه، حفظ ثبات اقتصاد کلان با اصلاحات ساختاری در نظام پولی و بانکی، اصلاح ساختاری نظام مالی و تعامل با خارج و نیز اصلاح ساخت‌های اجتماعی کشور که روی رشد اثر گذار است، قابل توجه خواهد بود. نکته دیگر این است که اگر اقتصاد ایران به سرمایه‌گذاری خارجی اتکا کند، ممکن است این منابع جذب نشود و اگر به منابع داخلی تکیه داشته باشد، ممکن است کمبود منابع حادث شود. اما اگر هر دو وجه مد نظر قرار گیرد، رشد اقتصادی ایران دست کم به ۶ درصد خواهد رسید و بر این اساس به نظر می‌رسد، ارقام ۱۶ تا ۲۰ درصد که برای سرمایه‌گذاری در دو سناریو در نظر گرفته شده تا حدودی غیر واقع بینانه باشد.» او در پایان سخنان خود عنوان کرد: «موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که تحریک اقتصاد ایران، مستلزم آن است که بخشی از برنامه ششم به عقب ماندگی‌های ۶ یا ۷ سال گذشته اقتصاد اختصاص پیدا کند.»

اداره کنونی اقتصاد کشور عاری از اشکال نیست

در ادامه نشست دکتر آقامحمدی بار دیگر، نوبت سخن را به دست گرفت و گفت: «این اصل باید پذیرفته شود که اداره اقتصاد با اشتباهاتی همراه بوده و چنانچه این اصل همچنان مورد غفلت واقع شود، حتی با وجود منابع داخلی و خارجی، چندان نمی‌توان به ایجاد شرایط مطلوب برای اقتصاد کشور امیدوار بود. بنابراین اصلاحات ساختاری الزامی اجتناب‌ناپذیر است که باید به صورت دقیق و جزئی مورد بررسی قرار گیرد.» او با اشاره به اینکه تاکنون بیشتر به کلیات اشاره شده است، گفت: «باید به دنبال این بود که مشخصاً چه الزاماتی برای تحقق این امر نیاز است.» او افزود: «طبیعتاً سرمایه‌گذاری در برخی از بخش‌ها، نیازمند نیروی انسانی بیشتری است که ممکن است این نیاز متناسب با ظرفیت نیروی انسانی کشور نباشد. بر این اساس، لازم است تعیین شود، که برای چه ترکیبی از جمعیت نیروی کار اشتغال‌زایی صورت می‌گیرد؛ از سویی دیگر با توجه به شرایط فعلی می‌توان به توسعه ظرفیت‌های خالی به جای ایجاد ظرفیت‌های جدید اندیشید تا با تحقق آن، بهره‌وری بیشتری حاصل شود. همچنین می‌توان با پایش و بررسی مناطق کشور و تحلیل پتانسیل‌های موجود آن‌ها، ظرفیت مناطق با پتانسیل بالا را به دور از نگاه سیاسی و تماماً بر پایه تفکر اقتصادی گسترش داد.»



این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «همانطور که دکتر نیلی نرخ رشد ۸ درصدی را یک الزام و اجماع ملی قلمداد کردند، این هدف گذاری نیازمند نقد، بررسی و تبلیغ است. چرا که در مقیاس آحاد جامعه این رشد باید محقق شود. حال با نگاهی فراتر می توان الزامات نیل به رشد اقتصادی ۸ درصد را نیز اجماع ملی برشمرد، به گونه ای که این موضوع مورد اختلاف هیچ کدام از نهادهای سیاست گذار، اجرایی و نظارتی مربوط قرار نگیرد و با وحدت آرا و همدلی در جهت تحقق آن تلاش شود. این الزامات می تواند در نهادی مانند ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی با حضور خبرگان این امر که مورد نظر مقام معظم رهبری قرار دارند، به خوبی تجزیه و تحلیل شده و به جمع بندی مناسبی از آن برسیم.»

لزوم دور اندیشی و تدبیر در سیاست گذاری های اقتصاد کشور

آقامحمدی در ادامه سخنان خود بیان داشت: «در حال حاضر مسئولان حکومتی کشور به ظاهر مقتدر آمریکا در حال بررسی دو نکته در آینده برجام هستند. نخست اینکه به بنگاه های اقتصادی خود متذکر می شوند که با لحاظ کردن احتمال عدم اجرای برجام با ایران مذاکره داشته باشند. به عبارت دیگر در این میان پدیده تحریم مثبت حادث می شود، به گونه ای که در این روش صرفاً هزینه مراودات بالا می رود و مشمول وضع قانون یا امور اجرایی نیست. نکته دوم فراهم آوردن امکانات و الزامات دفاع و به نوعی پیش بینی تحریم احتمالی ایران علیه کشور آمریکا در عکس العمل روند تهاجمی ضد ایران طی سال های گذشته است.»

وی ادامه داد: «بنابراین با توجه به این دوراندیشی آمریکایی ها، صرف نگارش الزام نرخ رشد اقتصادی برای کشور کفایت نمی کند و باید طوری برنامه ریزی شود که در برابر تغییر هرگونه شرایط، امکان دفاع و انعطاف پذیری وجود داشته باشد. تحقق این امر کلیدی نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری در هسته مرکزی کشور است و در مراحل بعدی وزرا و سایر مسئولان عالی رتبه حکومت را باید در برگیرد.»

وفاق و اجماع در اصلاحات ساختاری

نماینده سابق مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه اصلاحات ساختاری در جهت کاهش مصرف و بهره وری منابع، امری اجتناب ناپذیر و نیازمند به گذر زمان است، گفت: «افزایش بهره وری یک ضرورت به

نظر می‌رسد که نیاز به خرد جمعی و همدلی به منظور نگارش الزامات آن دارد. الزاماتی نظیر بازنگری در نرخ-های سود و قراردادهای. البته مدیریت و تدبیر در این امر هزینه‌هایی را به دنبال خواهد داشت که در صورت اعتقاد به حصول نتیجه، باید این هزینه‌ها هم پرداخت شود.»

آقامحمدی همچنین افزود: «مدیریت صحیح بر ساختار مالی و اصلاح نظام تأمین مالی و نیز نظارت بر عملکرد بانک‌ها در تخصیص مناسب منابع نیز در این میان لازم به نظر می‌رسد. این تغییرات باید در اسرع وقت صورت گیرد چرا که اثرات بسته اقتصادی دولت مانند مسکنی است که موقتاً به حل مشکلات می‌پردازد و آمادگی در برابر شرایط آتی به دور از دستپاچگی، بسیار حائز اهمیت است.»

اقتصاد کشور در مضیقه جدی منابع به سر می‌برد

پس از پایان این بخش از سخنان آقا محمدی، دکتر نیلی گفت: «نکته حائز اهمیتی که در این میان وجود دارد، این است که در مقاطع گذشته و در دوران تدوین هیچ یک از پنج برنامه پیشین توسعه، همانند امروز اقتصاد کشور به این شدت با کمبود منابع مواجه نبوده است. از برنامه اول توسعه و کسب بخشی از منابع پس از جنگ تحمیلی، تا برنامه پنجم و در اوج آن، وفور منابع در برنامه چهارم، هیچگاه اقتصاد ایران به این شدت، با تنگنای منابع دست به گریبان نبوده است.»

مشاور رئیس جمهور در امور اقتصادی اضافه کرد: «در وضعیت فعلی، با توجه به شکاف عمیقی که در منابع مشهود است، از منظر هر فردی که با اعداد و ارقام اقتصاد ایران و جهان آشنا باشد، تعیین هدف دستیابی به رشد به ارقامی بیش از ۶ درصد، کلید واژه‌ای محسوب می‌شود که در دل خود شماری از مفاهیم را نهفته دارد؛ مفاهیمی نظیر تنظیم روابط داخلی، عملکرد بازار، و غیره.» او افزود: «بدون ملاحظه این مفاهیم نمی‌توان تنها به صرف محاسبات و تکیه بر اعداد و ارقام حاصل شده، به رقمی مشخص از منابع به منظور سرمایه‌گذاری نایل آمد. بنابراین الزاماتی که به جهت تحقق رشد مورد نظر، نیاز است، صرفاً فنی نبوده و ضرورت مباحثه، تبادل و

اتفاق نظر در این خصوص احساس می‌شود. در راستا، ایجاد فضایی که این الزامات به شکلی همه جانبه مورد طرح، بررسی و جمع بندی قرار گیرد، حائز اهمیت بسیار است.»

هشدار: روند کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی کشور

دکتر نیلی با بیان اینکه در خلال این نشست به معضل «سهم در حال اضمحلال دولت در تولید ناخالص داخلی اقتصاد کشور» اشاره‌ای صورت نگرفت، اضافه کرد: «در شرایط فعلی، تقلیل نسبت مخارج جاری دولت به تولید ناخالص داخلی به کمتر از ۱۳ درصد، اتفاق نامبارکی تلقی می‌شود و پیامد آن، رخدادهایی نظیر بروز فساد، ارتشا، ضعف عرضه کالای عمومی و نظیر آن است. بر این اساس چنانچه منابعی نیز برای دولت حاصل شود، صرف بودجه جاری کشور خواهد شد و نه سرمایه‌گذاری. بنابراین ایجاد بستری مناسب به منظور سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین سرمایه‌گذار خارجی در این شرایط بسیار با اهمیت جلوه می‌کند.»

لزوم ایجاد اتاق فکر به منظور تحقق رشد اقتصادی و بررسی الزامات آن

رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی با اشاره به اینکه عمده الزامات تحقق اهداف، خارج از حوزه اقتصاد قرار دارد، تصریح کرد: «شاید لازم است در شرایط کنونی، در قالبی مانند ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و با حضور جمعی از نخبگان، گفتمان و تحلیل درباره الزامات آغاز شود.»

وی افزود: «به عنوان مصداق، ظرفیت سازمان اداری کشور همچون ظرفیت منابع آب با نقصان مواجه است، نظام بانکی کشور یکی از نامناسب ترین شرایط تاریخ خود را تجربه می‌کند و بدهی‌ها و وضعیت صندوق‌های بازنشستگی قابل توجه است.»

مسعود نیلی در خاتمه سخنان خود خاطر نشان کرد: «به منظور حصول نتیجه، لازم است، شفافیت و صراحتی که در خصوص تعیین میزان رشد وجود دارد، در بررسی الزامات رشد نیز منظور شود.» او گفت: «صرف بهبود روابط بین الملل بدون در نظرگیری سایر مولفه‌های موثر بر اقتصاد، دستاورد مطلوبی برای کشور به

ارمغان نخواهد آورد. ضمن اینکه مدیریت انتظارات افکار عمومی نیز با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای بیش از پیش مهم خواهد بود.»

میان میزان سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی رابطه مستقیمی وجود ندارد

در ادامه این نشست دکتر محمد قاسمی معاون بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز سخنان خود را این گونه آغاز کرد: «با توجه به گزارش‌هایی که در این نشست، ارائه شد، می‌توان گفت نه در ایران و هیچ کشور دیگری، به هیچ وجه رابطه‌ای یک به یک میان میزان سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی وجود ندارد. به گونه‌ای که هیچ گاه نمی‌توان با اطمینان اظهار کرد، چه میزان سرمایه‌گذاری، چه میزان رشد اقتصادی را سبب خواهد شد.» او افزود: «حال اگر تجربه کشورهای دیگر نیز در این زمینه مورد واکاوی قرار می‌گرفت، این نکته نمود بیشتری پیدا می‌کرد، با این حال نمی‌توان از نقش سرمایه‌گذاری در حصول رشد اقتصادی غفلت ورزید. ضمن اینکه بسیاری از عواملی دیگر در این میان نقش دارند که نیاز به بررسی و تحلیل آن‌ها احساس می‌شود.»

به جای اتکا به منابع، باید تحول محور گام برداشت

قاسمی اظهار داشت: «چنانچه به جای تمرکز بر منابع، تحول محور گام برداریم، می‌توان به شکل کارآمدی الزامات تحقق نرخ رشد ۸ درصدی را بررسی و فراهم کرد. با فرض خوشبینانه جذب تمامی منابع مورد نیاز، با اطمینان می‌توان عنوان داشت در شرایطی که به عنوان مثال هزینه یک طرح عمرانی حائز ۳۰۰ برابر میزان پیش‌بینی شده آن است، صرف این منابع در طرح‌های عمرانی اعم از دولتی و خصوصی برابر با اتلاف آن است.» او ادامه داد: «طرح‌های پتروشیمی شرق و غرب، و همچنین طرح‌های فولادی نیز چنین شرایط مشابهی را دارا هستند. به عبارت دیگر کشور در حال حاضر صحنه‌ای از طرح‌های نیمه تمام ناکارآمد است که با تکمیل آن نیز رشد پایداری قابل تصور نخواهد بود.»

این پژوهشگر در توضیح راهکار پیشنهادی خود عنوان کرد: «توصیه می‌شود که بر اساس یک تقسیم کار، متن‌هایی توسط مراکز تحقیقاتی که به هسته سیاست‌گذاری نزدیک‌اند و دولت به آنها اعتماد دارد، به رشته تحریر درآید و این موارد به عنوان الزامات تحقق برنامه ششم تبیین شود. به این ترتیب که نقش دولت و مجلس

در طرح‌های عمرانی تغییر کند که شاید مسیر تحولات نهادی همین باشد. اگر در برنامه صرفاً به میزان سرمایه مورد نیاز برای تحقق رشد ۸ درصدی اشاره شود و این منابع نیز طی اجرای برنامه تخصیص نیابد، رشد اقتصادی کمتر از اقام پیش‌بینی شده تحقق می‌یابد و اتفاقی که در ۵ برنامه توسعه‌ای گذشته رخ داده، مجدداً به وقوع می‌پیوندد.»

### جریان اطلاعات در اقتصاد کشور شفاف نیست

معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ادامه داد: با توجه به سهمی از پس‌انداز که به تشکیل سرمایه تبدیل می‌شود، می‌توان گفت اقتصاد کشور در مقایسه با اقتصاد جهان از محل پس‌انداز خود، بیشتر وام به بخش‌های داخلی اعطا کرده تا اینکه اعمال سرمایه‌گذاری کرده باشد. فرصت‌های سرمایه‌گذاری، کارایی سیستم مالی، توان جذب داخلی و مفاهیمی از این دست تنها از باب سرمایه‌گذاری مورد بحث قرار می‌گیرد.»

او با بیان اینکه اطلاعات موجود در کشور کافی و تفصیلی نبوده، گفت: «موضوعات مبهمی وجود دارد. از جمله نامشخص بودن جریان وجوه کشور، چگونگی صرف منابع مالی در سرمایه‌گذاری‌ها، نحوه و ابزارهای تأمین مالی بنگاه‌ها و نهادها، و امثالهم، که در فقدان این اطلاعات ضروری سرمایه‌گذاری با دشواری‌های فراوان همراه خواهد بود.» وی در سخنان پایانی خود اذعان داشت: «در مفهوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها بحث منابع مطرح نیست، از آن جهت که عواملی نظیر تکنولوژی، سازمان تولید، مدیریت و غیره با سرمایه مستقیم خارجی همراهند که تمامی آن‌ها در ارتقاء بهره‌وری حائز نقشی کلیدی هستند.»

### ساز و کار تدوین الزامات رشد اقتصادی

دکتر آقامحمدی در خاتمه نشست، گفت: «نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نظام اطلاعات در کشور تا چه حد برای تحقق چنین رشدی مناسب است؟ وضعیت آمار و اطلاعات در کشور به گونه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان راهنما مورد استناد قرار گیرد. در عین حال، سال-

هاست که این موضوع در محافل اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد که چرا پس‌انداز در ایران به سرمایه‌گذاری منجر نشده است.»

او اضافه کرد: «اکنون این نیاز احساس می‌شود که در مورد این مسائل مطالعات کارشناسی صورت گیرد، و در کنار آن راهکارها و روش‌های تأمین منابع در سایر کشورها نیز مورد مطالعه قرار گیرد.» او با بیان اینکه موارد الزامات تحقق رشد ۸ درصدی نیاز به واکاوی دارد، تصریح کرد: «گام نخست این است که حصول رشد ۸ درصدی به عنوان یک الزام پذیرفته شود، سپس اقدامات فنی و سیاستی متناسب با آن صورت گیرد. آن‌گاه باید روی الزامات تحقق این میزان رشد، اجماع کارشناسی شایسته‌ای صورت گیرد و این الزامات برای ایجاد اجماع ملی در جامعه مطرح شود. آقا محمدی ادامه داد: «نظر اینجانب این است که چه از حیث سیاستی و چه از نقطه نظر فنی، دستیابی به این رشد شدنی است. اما لازم است، در مورد آن نوعی اقتناع ملی در میان نخبگان فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی از بعد فنی و کارشناسی حاصل شود، پس از آن در مراحل بعدی، این الزامات باید به سمع مقامات ارشد کشور برسد تا به یک سیاست و رویکرد تبدیل شود که این برنامه را به سرمنزل مقصود برساند.»